

تماشاخانه

فرجام،درخت باربا

در تالار حافظ ریشه‌گرفت

● **رضا آشفته**: آمدوشد هنرمندان به نام تئاتر معاصر جهان، باعث اتفاقات خوشایندی در ایران خواهد شد و هر یک از این افراد صاحب سبک و عنوان می‌توانند بانی ریشه‌گرفتن بنیان‌های دقیق تئاتری در کشورمان بشوند. حضور یوجینو باربا یکی از این رویدادهای راستینی است که بانی تقویت تئاتر در هنرمندان ما خواهد شد. سرانجام شامگاه شنبه ۱۶ بهمن نخستین اجرای نمایش «درخت» به کارگردانی یوجینو باربا، از بنام‌ترین کارگردانان حال‌حاضر جهان، در تهران اجرای عمومی‌اش را آغاز کرد. در این نمایش ۵۰ دقیقه‌ای لوئیس آلزونو، پرواتی باول، وایان باوا، کای بردهالت، روبرتا کریری، النا فلوریز، دونالد کیت، کارولینا پیزارو، فوستو پرو، این ناچل راسموسن و جولیا واری بازی می‌کنند. درخت داستانی از رشد و شکوفایی و مرگ است. راهبان درختی را در پاسخ به ناپدیدشدن پرنس‌دکان کاشته‌اند و افسرادی همچون یک سرباز کوچک، جنگ‌سالاران، یک مادر خشمگین و دختر یک شاعر که خواب پرواز با پدرش را می‌بیند در اطراف آن زندگی می‌کنند. آنچه پرنندگان از آسمان روی زمین می‌بینند، درخت میوه می‌دهد و پرنندگان بازمی‌گردند اما… «درخت تاریخ رشد و نمو می‌کند و می‌میرد، به دور آن، کودکان سرباز، دوراهب، جنگ‌سالاران، مادری خشمناک و دختر یک شاعر که رویای پرواز با پدرش را در سر می‌پروراند، به رقص درآمده‌اند».

درباره‌باربا

«باربا»ی ایتالیایی بنیان‌گذار تئاتر «اودپن» و مدرسه بین‌المللی تئاتر انسان‌شناسی است که هر دو در دانمارک قرار دارند. یوجینو باربا، کارگردان و نظریه‌پرداز ایتالیایی تئاتر، یکی از مهم‌ترین چهره‌های تئاتر معاصر جهان است که نمایش با اصطلاحاتی چون تئاتر تجربی، تئاتر آزمایشگاهی و تئاتر مردم‌شناختی گره خورده است. «باربا» ساکن دانمارک است و تاکنون افتخارات زیادی در این زمینه کسب کرده. او از چندین دانشگاه مدرک دکترای افتخاری دریافت کرده و برنده جوایزی همچون جایزه آکادمی دانمارک، منتقدین تئاتر مزکزک، جایزه «دیگو فابری»، جایزه بین‌المللی «پیراندللو» و جایزه آکادمی هنرهای نمایشی هنگ‌کنگ شده است.

درباره‌درخت

او درباره نمایش «درخت» که تا روز چهارشنبه (۲۰ بهمن) اجرا دارد، نوشته است: «چطور می‌توانیم قربانی‌کردن انسان را در تئاتر نشان دهیم؟ آیا اصلا باید این کار را بکنیم؟ برای اینکه اندوه و خشم خود را نشان دهیم؟ مردی با سردی، مردی دیگر، زن یا کودکی را قربانی می‌کند، من می‌خواهم اجرایی داشته باشم که به این موقعیتی که هرروز در روزنامه‌ها با آن مواجه می‌شویم، بپردازد… تئاتر به ما اجازه می‌دهد از آنچه داریم و برپایمان آشناس‌ت، به‌خاطر آنچه آرزو داریم و از ندانستنی‌های غافلیم، بگذریم». نقطه شکل‌گیری این نمایش از چاپ مقاله‌ای در هفته‌نامه «اشپیلی» شروع شد؛ در نوامبر ۲۰۱۳ یک آدم‌خوار و جنایتکار جنگی گفته بود که به رستگاری و بخشش خداوند اعتقاد دارد. او فردی بوده که با گروهی از کودکان، ارتشی تشکیل داده و جلو آنها یک انسان را قربانی کرده تا آنها را پیش از مبارزه آسیب‌ناپذیر کند. او خشونت را در قالب بازی در برابر آنها اعمال می‌کرده و در نتیجه کودکان هم بعد از مدتی همچون او دست به اعمال وحشتناک و غیرانسانی می‌زدند. قتل‌عام سال ۱۹۹۵ سرپرستیای صربستان که بزرگ‌ترین قتل‌عام در اروپا پس از جنگ جهانی دوم لقب داده شده، نیز از دیگر حوادث الهام‌بخش برای ساخت این نمایش بوده است.
دو راوی درباره شخصیت‌ها و اتفاق‌های قصه نظر می‌دهند: «در بیابانی در سوریه دو راهب یک درخت گلایی می‌کارند تا پرنده‌گانی که ناپدید شده‌اند را به برگشت دعوت کنند، در نیجریه مادری زیر سایه درخت فراموشی نشسته و سر دخترش را در دامن گرفته، یک جنگ‌سالارا اروپایی قصد دارد انسان‌سای را قربانی کند تا کودکان‌کی که ارتشش را تشکیل می‌دهند، پیش از جنگ ایمن شوند، دختری در اطراف درختی که پدرش در روز تولد او کاشته، با عروسکش بازی و به این فکر می‌کند که پرنده‌ها زمین را از آن بالا چطور می‌بینند. درخت تاریخ سرانجام زیر بار میوه‌ها قد خم می‌کند و لانه پرنده‌گانی می‌شود که بالای سر تماشاگران پرواز می‌کنند، اما اینها چه نوع پرنده‌هایی هستند؟» نمایش درخت باربا از شنبه ۱۶ بهمن تا چهارشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۵ هر شب ساعت ۱۹:۳۰ در تالار حافظ اجرا می‌شود و در هر اجرا میزبان ۹۸ تماشاگر خواهد بود.

بهناز شبیربانی؛ کاظم ملایی از جمله کارگردان‌های فیلم‌اولی جشنواره سی‌وپنجم فیلم فجر است که فضای فیلمش کمی متفاوت‌تر از سایر رقابیش است و لوون هفتون نقش محوری فیلم سسینمای «کوپال» را برعهده داشته؛ نقشی که برای او تجربه ویژه‌ای بوده است. در حاشیه جشنواره فجر با هفتون گفت‌وگوی کوتاهی کردیم.

● **نحوه شناخته‌شدن شما برای مخاطب سینما با ایفای نقش در فیلم‌هایی بود که خارج از بدنه سینما ساخته شد و جریان متفاوت‌تری داشت و البته دراین‌میان چند تجربه بازی در فیلم‌های طنز هم به این کارنامه اضافه شد. کوپال اما فیلمی است که بیشتر متکی به فرم است و بار اصلی داستان پر دوش شماست. برای پذیرش بازی در این فیلم، فیلم‌نامه نقش اساسی داشت یا کار با کارگردانی که قرار بود گفت‌وگو اول فیلم بلندش را به شیوه دیگری روایت کند؟**

با کاظم مولایی، کارگردان این فیلم، آشنایی نداشتم، وقتی فیلم‌نامه را خواندم دیدم آن‌قدر دقیق و باوسواس نوشته شده است که انگار تصاویر از قبل در ذهن او نقش بسته است، در فیلم‌نامه هم می‌شد دید که کاظم مولایی بیشتر به فرم فیلم فکر کرده است، اما قطعاً برای من کارکردن با کارگردان جوان خصوصاً آنهایی که ساخت فیلم اول را تجربه می‌کنند جذاب است. کاظم مولایی هم در اولین تجربه سینمایی‌اش قصه‌ای نوشته بود که فرامرز بود و این‌س قصه هرجایی می‌تواند رخ دهد و به مسائل عمیق‌تر و انسانی‌تر می‌پردازد و دست بازیگر را بازتر می‌گذارد و مجموعه این دلایل باعث شد تا علاقه‌مند شوم در این فیلم حضور داشته باشم.

● **ایفای نقشی که به انزوایی در زندگی‌اش می‌رسد برای شما تجربه جدیدی نیست، چه تحلیلی برای این نقش داشتید؟**

کوپال در مقایسه با فیلم‌هایی که تا‌به‌حال بازی کرده‌ام این ویژگی را داشته که شخصیت از منفی به مثبت می‌رسد دقیقاً برعکس فیلم پرویز و این اتفاق برای من تازگی داشت. نقاط تاریکی در زندگی کوپال هست و به مرور این تحول را در شخصیت او می‌بینم. اساساً هیچ‌وقت نقش را از بیرون نگاه نمی‌کنم و ترجیح

می‌دهم در قالب شخصیت به آن برسم.

● **به‌هرحال قطعاً ایده‌هایی برای نقش داشتید، تا چه حد این تعامل بین شما و کاظم مولایی بود تا به ایده‌آلهایی که برای نقش داشتید نزدیک شوید؟**

دوست داشتم کارگردان بیشتر با من کار می‌کرد، در روند ساخت فیلم حس می‌کردم کارگردان بیشتر وسوسه فرم دارد و بسا اینکه به شخصیت کوپال در فیلم‌نامه پرداخته شده بود، اما دوست داشتم کارگردان با من به‌عنوان بازیگر برای خلق این شخصیت کشتی بگیرد و به قول معروف چیزهای بیشتری از درون من بیرون بکشد. وقتی فیلم را دیدم حس کردم ۷۰ تا ۷۵ درصد از چیزی که در فیلم‌نامه خواندم اتفاق افتاد و شاید دوست داشتم بخش‌هایی از فیلم‌نامه که بهتر بود تأکید بیشتری روی آنها داشته باشم، در فیلم به آن زمان بیشتری اختصاص داده می‌شد و درعوض چیزهایی مثبت می‌شد از آنها زودتر گذشت را تأکید نکنیم و وقتی به‌عنوان مخاطب به فیلم نگاه می‌کنم تصور می‌کنم تا حدی ملال‌آور شده است و فکر می‌کنم ای‌کاش نکته‌های خوبی که در فیلم‌نامه بود، بیشتر به آن

پنجره‌ای رو به جشنواره

حیف که نشد

نکته دیگر درباره گره‌های داستانی است که برای غافلگیری مخاطب و ایجاد پیچ‌های دراماتیک در فیلم‌نامه طراحی شده که نه‌تنها غافلگیری در پی ندارند، بلکه مخاطب کلا از فیلم‌نامه و فیلم جلو است. در چنین شرایطی شرح و بسط طولانی و احساسات‌زدگی که برای درگیرکردن مخاطب وارد کار شده، هم ناکارآمد جلوه می‌کند و هم سؤال‌برانگیز است، چراکه فیلم‌ساز خودش می‌داند چه داده‌ای در اختیار مخاطب گذاشته؛ به‌عنوان مثال وقتی در ابتدای فیلم کدی از رابطه عزیز با سربازی مجروح در بیمارستان داده می‌شود، چطور انتظار می‌رود در لحظه‌ای که پیک خبری مشکوک درباره وضعیت پسر عزیز در بیمارستان به عرووش می‌دهد، مخاطب هم مانند زن جوان دستپاچه و نگران شود؟! این چنین است که کلیت آن سکانس به‌اصطلاح پرتعلیق و پراضطرابی که جست‌وجوی زن در بیمارستان و رسیدن به سالن معراج و دیدن عزیز در کنار یک جسد را به تصویر می‌کشد، اضافی و ناکارآمد و فرسایشی جلوه می‌کند!

نکته دیگر اینکه به نظر می‌آید برای حضور مردان در این شهرک زنان نیز منطق خاص و کاربردی مدنظر نبوده و معلوم نیست به چه دلیل فقط شوهر زنی که مسئول شهرک است، آقای خیری با حضور صابر ابر به‌تصویر درمی‌آید، ولی مردان دیگر از این موقعیت محروم هستند؟ اگر قرار است این زن را به‌عنوان قهرمان اصلی فیلم در نظر بگیریم، در این صورت نکات مغفول دیگری هم در فیلم خودنمایی می‌کند.

«ویلاهی‌ها» فیلمی است که به‌واسطه پرداختن به زاویه‌ای قیامد از دفاع مقدس می‌توانست تبدیل به اثری تازه و جسورانه با نگاهی زنانه شود که اتفاقاً نیاز سینمایی دفاع مقدس در این مقطع برای احیای دوباره است، اما با کاستی‌های فراوان در سویه‌های مختلف از تبدیل‌شدن به یک فیلم مهم بازمی‌ماند و تأثیرگذاری احتمالی آن بیش از هر چیز مدیون لحظه‌های حسی و تمهیدات تشدیدکننده این حس‌وحال است.

هنر



هفتون در یک صحنه‌ای از کوپال

گفت‌وگو با لوون هفتون

کشتی‌گرفتن با کارگردان

پرداخته می‌شد و قطعاً کشش داستان بیشتر می‌شد. این نکته به زمان فیلم خیلی ارتباط پیدا نمی‌کند؛ مقصودم نکته‌هایی است که در زمان معمول روایت یک فیلم می‌تواند از آن، فیلم جذاب‌تری خلق کند.

اما نکته‌های مثبت کارگردانی کاظم مولایی از نظر من این است که او نخواست در ایران استفاده کند و ملنا با خودش فکر کند فیلم‌سازانی مثل فرهادی یا کیارستمی چطور موفق شدند و مسیر آنها را ادامه بدهد. کاظم مولایی فضای جدیدی خلق کرد و خواست تا فرم جدیدی را تجربه کند و این نکته مثبتی برای یک کارگردان محسوب می‌شود.

● **قطعاً بسیاری منتظر حضور فیلم‌همچوم در جشنواره بودند و این فیلم یکی از تجربه‌های متفاوت شما در بازیگری است.**

بله، به‌هرحال متأسفم که سیاست‌های گزینش یا ممیزی جشنواره فیلم فجر به‌نوعی است که یکی از فیلم‌سازان جوان و موفق سینمای ایران از این رقابت بازمی‌ماند، با اینکه حضورم در فیلم «هجوم» کم است

و همان‌طور که همیشه گفته‌ام، فرعی یا اصلی بودن نقش برابم اهمیت ندارد، اما در فیلم هجوم، نقش من کلیدی است و در جریان روایت قصه تأثیرگذار است و نقش مهمی است، برای همین پذیرفتم در این فیلم بازی کنم. هجوم برای من یکی از نقاط برجسته بازیگری‌ام است و قصه بسیار جذابی دارد، علاوه بر اینکه فضاسازی‌های خوب این فیلم بسیار تأثیرگذار است. متأسفم که امسال در جشنواره فیلم فجر آثار فیلم‌سازانی مثل کیانوش عیاری یا شهرام مکری و بسیاری دیگر که کارهای خوبی را ساخته‌اند نمی‌بینم و این تأسف‌برانگیز است، اما قطعاً فیلم‌سازانی مثل عیاری یا مکری سودای سیرمگر در سر ندارند، اما حاصل کار آنها بخشی از تاریخ سینمای ما را شکل می‌دهد و باید اجازه داد تا فیلم‌هایشان دیده و از سوی مردم قضاوت شود. فیلم هجوم در ادامه تجربه پیشین شهرام مکری، با سکانس – پلان فیلمش را روایت کرده است با این تفاوت که قصه جذاب‌تری تعریف کرده است و به‌نوعی به وحدت زمانی، مکانی و قصه رسیده است و تا حدی فضای تئاتری‌تری دارد، به‌طوری‌که ۱۵ روز قبل از فیلم‌برداری تمرین‌های تئاتر داشتیم و بعد وارد مرحله فیلم‌برداری شدیم.

● **سال گذشته مدتی مشغول کارگردانی تئاتر بودید، قصد دارید بار دیگر نمایشی را روی صحنه ببرید یا خیر؟**
در تدارک کار جدیدی هستم؛ پروژه‌ای که در کانادا مدتی قبل روی صحنه بردیم به اسم «یکی نبود» و درحال‌حاضر در تدارک اجرای دیگری از این کار هستیم، اما برای کار در ایران قطعاً نمایشی را براساس داستان الف پورخس روی صحنه می‌برم، امیدوار بودم که بتوانم پاییز ۹۶ آن را به اجرا ببرم که تصور می‌کنم به زمستان سال بعد موکول شود و به دنبال انتخاب بازیگر هستم.

● **درحال حاضر مشغول بازی در فیلم خاصی هستید؟**

مدتی است مشغول بازی در فیلم «کار کثیف» آقای خسرو معصومی هستم که بخش‌های بازی من در شمال فیلم‌برداری شد. نقش مکملی را در این فیلم ایفا کردم و امیدوارم این فیلم را سال آینده در جشنواره فیلم فجر ببینم.

روزنگاشت جشنواره

حیف از سینمای ایران

۳-ماجراجری نیمروز-محمدحسین مهدویان-

بخش مسابقه: فیلم ماجراجری ترورهای مجاهدین خلق در دهه ۶۰ و سپس حمله به خانه تیمی سران آنها و کشته‌شدن موسا خیابانی، از رهبران سازمان را روایت می‌کند. «ماجراجری نیمروز» یک «قصه‌گوی عامه‌پسند متوسط و ایدئولوژیک» است که بین مستند و داستانی سرگردان است. مستند نیست زیرا برای اثبات هر طرحی می‌کند، هیچ سندی ارائه نمی‌کند. داستانی هم نیست زیرا از طریق نوع زاویه دوربین و نوع میزانس‌ن و دکوپاژ، قصد مستندنمایی فیلم، پلیسی است اما این دو بازیگر تجربه‌ای در فیلم پلیسی ندارند. کارگردان آنها را به یک افسر آگاهی معرفی می‌کند تا آموزش ببیند اما ناخواسته درگیر یک ماجرای پلیسی می‌شوند و خرابکاری می‌کنند. فیلم با آنکه در حوزه سینمای «عامه‌پسند قصه‌گوی کمیک» ساخته شده، ولی سطح آن در حد فیلم‌های کودک و نوجوان تنزل یافته و انتظاری که از آن می‌رفت را برآورده نمی‌کند به‌ویژه آنکه کارگردان خودش فیلم‌نامه‌نویس «مارمولک» و «ورود اقلیان ممنوع» هم بوده. این تجربه نشان می‌دهد فیلم‌نامه‌نویس خوب کم‌دی نویس الزاما کارگردان خوب کم‌دی ساز نیست.

● **آذر- محمد حمزه‌ای-اولین تجربه بلند سینمایی -بخش مسابقه:** زوجی (نیکو کریمی، حمیدرضا آذرنگ) تصمیم می‌گیرند یک پیتزافروشی تأسیس کنند. پولی را قرض می‌گیرند، اما پول به وسیله شریک مرد به دلایلی از دست می‌رود و در یک دعوا، شریک به دست مرد به قتل می‌رسد و در زندان منتظر قصاص می‌ماند. اما کسی رضایت نمی‌دهد. تا اینکه مرد تصمیم می‌گیرد با گفتن مطلبی درباره زنش، از خانواده مقتول رضایت بگیرد. اما با گفتن این مطلب، زنش برای همیشۀ او را ترک می‌کند. فیلم یک ملودرام حادنه‌ای معمولی است که در هیچ بخشی (بازیگری، قصه، فیلم‌نامه، زیباشناسی روایت، فرم، تصویر و کارگردانی) حرفی برای گفتن ندارد. «آذر» یک «قصه‌گوی عامه‌پسند متوسط» است.

جدول ارزش‌گذاری فیلم‌های جشنواره فیلم فجر – روز ششم

نام منتقد	صفر تا سکو	خوب،بد،جلف	آخر	ماجراجری نیمروز	پشت دیوار سکوت
شاهرخ دولکو	–	–	–	–	–
کیوان‌کثیریان	–	–	–	–	–
سحر عصر آراذ	–	–	–	***	–
محمدرضا فهیمیزی	–	*	•	•	•
حسین عیدی‌زاده	–	*	–	**	–
پوری‌ذوالفقاری	–	*	*	*	–

عالی، خیلی خوب، خوب، متوسط، بی‌ارزش، دیده‌نشده

– دیده‌نشده ● = بی‌ارزش /

✖= بد / * = متوسط

***= خوب / ** = خیلی خوب/

*****= عالی

شرق: در این صفحه فیلم‌های

جشنواره را هر روز ارزش‌گذاری می‌کنیم. جدول ارزش‌گذاری روزانه، به معنای انتخاب «بهترین» یا «بدترین» فیلم نیست. آرا به صورت روزانه و پس از گذشت زمانی کوتاه از نمایش فیلم از ارزش‌گذاران گرفته می‌شود.



زیر آسمان فیروزهای

در پی اختلافات کارگردان با تهیه‌کننده و بازیگر

دلجویی مهرجویی در حمایت از کیمیایی

● **شرق:** دامنه اختلافات مسعود کیمیایی با همکارانش با حمایت ویژه داریوش مهرجویی، دیگر کارگردان صاحب‌سبک ایرانی، همراه شد که او با نوشتن نامه سرگشاده‌ای از این روزهای تلخ دلجویی کرد. «قاتل اهلی»، آخرین ساخته مسعود کیمیایی که با تمام انتقادات و اختلافاتی که بین این کارگردان با تهیه‌کننده و پرویز پرستویی، بازیگر آن، مواجه شد، در جشنواره سی‌وپنجم فیلم فجر اکران و با اقبال عمومی روبه‌رو شد. پرویز پرستویی در اختلاف بین تهیه‌کننده و کارگردان فیلم قاتل اهلی، حق را به تهیه‌کننده فیلم داد. وی در یادداشت انتقادی خود خطاب به مسعود کیمیایی در روزنامه شرق از مسعود کیمیایی بابت تغییر در نسخه تهیه‌کننده انتقاد کرد. گویا اختلاف‌نظر بین تهیه‌کننده و کارگردان با نامه‌نگاری و انتقاد پرویز پرستویی از مسعود کیمیایی موجب دلخوری این فیلم‌ساز را فراهم کرد. پرستویی در بخشی از یادداشت خود نوشت: «تغییرات در فیلم‌نامه و مونتاژ به‌گونه‌ای کند و در خدمت آن دو، سه سکانس جدید باشند، صدمه اساسی به فیلم زده است. از اینکه از اعتماد و عشقی که به این پروژه داشتم، سواستفاده شد، متأسفم و به دلیل احترام ویژه‌ای که برای مخاطبان عزیز قائل هستم، خواستم پیش از نمایش فیلم به ایشان اعلام کرده باشم که این فیلم‌نامه‌ای نبود که قرار بود بازی کنم و در نتیجه این فیلم که می‌توانست اثر خوبی در کارنامه همه ما ازجمله آقای کیمیایی باشد، ارزشش را به مسائل شخصی باخت و آن نشد که با وجود «دربودن» قرار بود، بشود»

نامه‌مهرجویی



به‌همین دلیل مهرجویی هم بر آن شده است که در این بلنبشی انتقادی پادرمیانی کند و حق معنوی فیلم‌ساز را بر حق مادی تهیه‌کننده ارجح بشمارد و این‌گونه بر اراده و تصمیم کارگردان قاتل اهلی برای نسخه نهایی فیلمش که باید در هرجایی اکران شود، صحنه بگذارد. داریوش مهرجویی با انتشار نامه‌ای سرگشاده از مسعود کیمیایی حمایت کرد. متن نامه داریوش مهرجویی که در حمایت از مسعود کیمیایی نوشته، به این شرح است: «مسعودجان این نامه را برای تو می‌نویسم تا شاید مرهمی باشد بر زخم‌های دل پرعظوفت و مهربانی تو. برای تو برای خودم و برای آنهایی که این چنین بی‌حرمتی و بی‌عاطفگی نسبت به اساتید و بزرگان جامعه خود می‌بروز می‌دهند. ما درواقع در حکم نردبانی هستیم که گاه دیگران یعنی طایفه بی‌سواد و بی‌تجربه از ما بالا می‌روند و بعد به‌جای قدردانی و تشکر زهری بر ما می‌پاشند و می‌گذرند. درد دل تو را خوب می‌فهمم چون خود من نیز بارها گرفتار این موقعیت شده‌ام. آدم‌های گریه‌صفت و بی‌وفا این روزها مدام در حال پنجه‌کشیدن هستند. درود بر تو ای مرد بزرگ که این چنین با مهربانی و عطوفت ذاتی خود در چنین مواردی پاسخگو می‌شوی... دریغ از این‌همه ناسپاسی و بی‌عاطفگی که گریبان این جامعه نابهنجار کثونی ما را فراگرفته است. رفیق دیرینه من برو و همچنان بتاز و فیلم‌های باشکوه‌ت را بساز و دلگیر نشو از این رسم زمانه ناخوشایند ما».

۸ دقیقه کوتاه شد

ایس‌ن فیلم داستان زندگی حاج‌آقا دکتر جلال سروش است که نقش آن را پرویز پرستویی بازی می‌کند. در نهایت ایس‌ن نامه‌نگاری یکی از اختلافات بین کارگردان و تهیه‌کننده و اظهارات پرستویی منجر به ایجاد تغییراتی در نسخه نهایی این فیلم شد. درواقع با تدوین مجدد که مدت‌زمان فیلم را ششت دقیقه کوتاه کرد، است، قاتل اهلی به نمایش درمی‌آید. تصور لشکری‌قوچانی، تهیه‌کننده فیلم «قاتل اهلی»، اعلام کرد که نمایش مردمی فیلم از پنجشنبه ۱۴ بهمن آغاز می‌شود، اما این فیلم که آخرین مراحل فنی خود را طی می‌کرد، به نخستین اکران خود در سینما ارکه ایرانیان رسید و به‌جای آن فیلم سینمایی «کارگر ساده نیازمندیم» ساخته منوچهر هادی به نمایش درآمد. قاتل اهلی فیلمی در ژانر اجتماعی است به تهیه‌کنندگی منصور لشکری‌قوچانی و بازیگرانی چون پرویز پرستویی، بگاه آهنگرانی، بولاد کیمیایی، امیر جدیدی، پرویز پورحسینی، لعلیا زنگنه، حمیدرضا آذرنگ، امیرحسین رستمی، حمیدرضا افشار، رضا رشیدپور، اکبر معزز، سعید پیردوست، شراره دولت‌آبادی، هستی محمابی و کاترین اصلانی در آن بازی می‌کنند. لشکری‌قوچانی یکی از نگاهمات میان خود و کیمیایی را محتوای فیلم دانست که قرار بود زنگ خطری برای اوضاع جامعه باشد؛ زنگ‌خطری که افشار ضعیف در فشار و فساد افشار بالاتر تحمل می‌کنند. یکی از نکته‌های مهم این هشدار نمایش عاملان اصلی فساد است که در طبقات مدیران میانی وجود دارند، اما مردم را تحریک می‌کنند تا مطالباتشان را از راس هرم بگیرند. این تهیه‌کننده یکی دیگر از صحبت‌هایش با کیمیایی را برای فیلم‌نامه، معرفی افراد نفوذی دانست. قاتل اهلی روز جمعه، پانزدهم بهمن، ساعت ۱۵:۳۰ در موزه سینما برای اولین‌بار اکران و با اقبال تماشاگران مواجه شد.